راهکارهایی
برای شاد زیستن

ترجمه:

الوسائل المفیده فی الحیاه السعیده

تألیف :

علامه شیخ

عبد الرحمن بن ناصر السعدی رحمه الله

ترجمه:

اسحاق دبیری رحمه الله


سنی بوک
www.SunniBook.net

فهرست موضوعات

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على من لا نبي بعده، وعلى آله وصحبه أجمعين، ومن اتبعه بإحسان إلى يوم الدين، أما بعد:

این رسالهٔ مبارک «**وسائل مفید برای زندگی سعادتمند**» مفهوم حقیقی سعادت وخوشبختی را بیان میکند، که در زندگی هر انسان بحیث یک هدف عالی وارزشمند بشمار میرود، وآرای متعددی در مورد مفهوم حقیقی آن، ودر قسمت شیوهٔ تحصیل وبدست آوردن آن وجود دارد.

عدهٔ ای از مردم چنان میپندارند که سعادت وخوشبختی با جمع کردن پول ومال بدست میآید.

وعدهٔ آنرا در سلامتی وصحت اجسام، ودر تأمین امن وامان در کشورها میبینند.

وعدهٔ دیگری آنرا در رزق حلال، وحاصل نمودن علم مفید وبا ثمر میجویند.

وبرخی آنرا در ایمان صادق، وعمل نیک، و پایدار ماندن بر آن میبینند.

ولی مفهوم سعادت وخوشبختی در صورتیکه با اصول واساسات شرعی توافق داشته باشد میتواند این همهٔ امور را در بر گیرد.

سعادت وخوشبختی بشکل عام در دو نوع تقسیم میگردد:

1- **سعادت دنیوی:** که موقت بوده، ودر محدودهٔ زندگی کوتاه وزود گذر انسان میباشد.

2- **سعادت اخروی:** که جاویدان، وخاتمه نه یابنده وغیر محدود است.

واین اقسام دوگانۀ سعادت باهم آمیخته، وبا یکدیگـر لازم وملزوم میباشد، سعادت دنیوی از سعادت اخروی جدا نیست، وسعادت اخروی برای مسلمانان پـرهیزگار مربوط است به رضائیت خداوند متعال، چـنانـچه خداوندΨ میفرماید: {مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٧} [النحل: آیت 97].

ترجمه: هر کسیکه کار نیک کرد، مرد باشد یا زن، ودر (صورتیکه) مومن باشد؛ پـس بیـگـمان او را زندگی پـاکیزه ای (میسر) می گردانیم، وایشان را به نکوترین اعمال شان پـاداش میدهیم.

برادر گرامی! آیا میدانی که سعادت چـه را گوید؟ وچـگـونه بدست میآید؟ وبدبختی چـه را گوید؟ وچـگونه میتوانیم که از آن در امان باشیم!؟

سعادت در اطاعت خداوند متعال واطاعت پـیامبر او ρ نهفته است، چنانـچـه شقاوت (بدبختی) در نا فرمانی خداوند متعال ونافرمانی پـیامبر او ρ نهفته است.

خداوند متعال میفرماید: {وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١} [الأحزاب: آیت 71]

ترجمه: وهرکه فرمان الله وپـیامبر او برد بی گـمان به بزرگـترین پـیروزی دست یافته است.

ومیفرماید: {وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا مُّبِينٗا ٣٦}[الأحزاب: آیت 36]

ترجمه: وهر کسی نافرمانی الله وپیامبر او را کند بی گمان بگونۀ آشکاری گمراه شده است.

واین کتاب «**وسائل مفید برای زندگی سعادتمند**» که پیشروی ما قرار دارد تألیف علامه شیخ عبد الرحمن بن ناصر السعدی رحمت الله علیه است، که شامل هشت فصل بوده، ودر این مؤلف: اسباب، وسائل، وطرق، بدست آوردن سعادت حقیقی را در روشنی دلائل شرعی از قرآن وسنت بیان نموده است، تا بتواند که شیوۀ زندگی سعادتمند حقیقی را تحدید نماید که آرزوی هر مسلمان است، وتا یک جامعۀ اسلامی بتواند برای تنظیم برنامۀ حیات خویش در روشنی آن حرکت نماید.

و وزارت شؤون اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد جهت سهم گیری در رهنمایی مردم به راه راست، و وسائل مفید وبا ثمر این کتاب را ضمن سلسلۀ نشرات مفید خود اختیار نموده، تا برای مسلمانان در مشکلات زندگی شان بحیث یک راهنما باشد.

از خداوند متعال طلب دارم که به مؤلف، وکسانیکه در چاپ و نشر و ترتیب کتاب همکاری نموده اند اجر وثواب عطا نماید.

والله الموفق والهادی إلی سواء السبیل، وهو حسبنا ونعم الوکیل، وصلی الله وبارک علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

دکتور/ عبد الله بن أحمد الزید

مسؤول چاپ ونشرات در وزارت

مقدمـهٔ مؤلف

الحمد لله الذى له الحمد كله، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه وسلم.

أما بعد:

آسایش وسعادت قلبی ودوری از غم و اندوه خواستـهٔ هر انسان است، که از طریق آن زنـدگی سعادتمندانه بدست میآید، وخوشی وخوشبختی حاصـل میگـردد، وبـرای ایـن امـر: اسـباب دینـی، طبیعی، وعملی وجود دارد، که همـهٔ آن به جز مؤمنان به کسی دیگر مهیا نیست.

واگر برخی از آن به دیگران مهیا هم گردد لیکن انسانان عاقل ودانشمند آنرا با تکلیف ومشقت بدست میآرند، وبا وصف آن هم از بسیار اسباب وشیوه ها محروم میمانند، که در زنـدگی فعلـی و آیندهٔ (انسان) مفید ومؤثر میباشد.

و من در این رساله خود برای رسیدن باین هدف عالی که هر انسان در تلاش رسیدن بآن اسـت وسائلی را ذکر مینمایم که فعلاً به خاطر من است.

به برخی از انسانها بسیاری ازین اسباب مهیـا گردیـده وخوشـگـذرانی خـوب، و زنـدگی سـعادتمند، نصیبشان شده است.

وبرخی دیـگـر از آن محروم مانده اند، و شقاوت و زندگی بد نصیبشان شده است.

وعدهٔ دیـگـر در بین این دو قرار گرفته اند، بآن قدر که توفیق نصیبشان بـود، و خداونـد متعـال تنها دفع کنندهٔ همه شرها، وتوفیق دهندهٔ همه خیرها است.

فصل:

[وسائل مفید برای دست آوردن زندگی سعادتمند]

1- یکی از بزرگترین واساسی ترین این اسباب همانا: **ایمان وعمل صالح است**، خداوند متعال میفرماید: {مَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَنُحۡيِيَنَّهُۥ حَيَوٰةٗ طَيِّبَةٗۖ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَجۡرَهُم بِأَحۡسَنِ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٩٧} [النحل: آیت 97]

ترجمه: هر کسیکه کار نیک کرد، مرد باشد یا زن، ودر (صورتیکه) مومن باشد؛ پس بیگمان او را زندگی پاکیزه ای (میسر) می گردانیم، وایشان را به نکوترین اعمال شان پاداش میدهیم.

پس خداوند به آنانیکه صاحب ایمان صحیح وعمل صالح اند وعده داده است که در این دنیا سعادت را نصیبشان میگرداند، ودر دنیا وآخرت نیز ثواب و پاداش نیک بآنها عطا میفرماید.

وسبب آن واضح است: زیرا کسانیکه ایمان دارند با الله تعالی ایمان صحیح این ایمان باعث کارهای خوب، وعمل نیک، وعمل جور کوننده قلبها، واخلاقها، ودنیا، وآخرتشان مفید گردد، در نزد آنان چنان اصول وشیوهای وجود دارد که در روشنی آن با تمام اسباب سعادت وخوشبختی، واسباب پریشانی وغم واندوه، تعامل درست ومثبت کرده میتوانند.

به گونۀ که اگر خوشی وسعادت بر ایشان حاصل گردد به آن رضائیت نشان داده، و شکر آنرا بجا میآورند، و از آن در کارهای مفید ومثبت استفاده مینمایند، هر گاه که آنان باین طور عمل کردن خوشی

بآنان حاصل میگردد، وامیدی به بقای آن، و پاداش شکر آن بدستشان می آید، که خوبی ها وبرکتهای آن از این خوشیهای ظاهر به مراتب بزرگ وعظیم شان میباشد.

او هنگامیکه غم و پریشانی برایش برسد، تا حد ممکن با آن مقاومت می نماید تا آنرا بکلی از خود دور سازد، وآنکه امکان تخفیفش باشد آنرا تخفیف مینماید، وآنکه امکان منع کردنش نباشد آنرا تحمل کرده ودر مقابلش از صبر وشکیبایی کار میگیرند، که در نتیجۀ مقاومت مفید، وبرداشت تکالیف، وبدست آوردن تجارب مختلف، وصبر کردن در برابر مشکلات، وامید داشتن اجر وثواب الهی چنان کارهای نیک ونتایج مفید وبا ثمر بدست میآید، که با وجود آن تمام تکالیف از بین رفته مضمحل میگردد، وبه خوشی، وآرزوهای نیک، امید داشتن اجر وثواب الهی تبدیل میگردد، چنانچه پیامبرρ از حالت وکیفیت مذکور در حدیث صحیح چنان تعبیر نموده میفرماید: «**عَجَباً لأمْرِ الْمُؤْمِنِ، إنْ أمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ، إنْ أصَابَتْهُ سَرَّاءُ شَكَرَ، فَكَانَ خَيْراً لَـهُ، وَإنْ أصَابَتْهُ ضَرَّاءُ صَبَرَ؛ فَكَانَ خَيْراً لَهُ، وَلَيْسَ ذٰلِكَ لأحَدٍ إلا لِلْمُؤْمِنِ**» [روایت مسلم]

ترجمه: کار مؤمن قابل تعجب است، همه کارهایش نیکو است، اگر خوشی برایش حاصل گردد شکرش را بجا میآورد، واین در حقش خیر است، واگر رنج وتکلیف برایش رخ دهد از صبر وشکیبانی کار میگیرد، واین در حقش خیر است، وجز مؤمن به دیگران چنان نیست.

پس پیامبرρ این امر را بیان نمود که خوشی و پریشانی مومن هر دو سبب زیادت اجر وباداش اعمالش میگردد.

اگر به دو نفری نگاه کنی که خیر و یا شر (خوشی یا رنج وتکلیف) بر ایشان حاصل گردیده است می بینی که این هر دو در عکس العمل در برابر آن از هم مختلف اند، واین ناشی از اختلاف است که در میان ایمان وعمل صالح این دو شخص وجود دارد.

واین کسیکه ایمان وعمل صالح دارد، خیر وشر را با شکر وشکیبایی استقبال مینماید، واز اینجاست که برایش خوشی وشادمانی حاصل میگردد، وغم، واندوه، وپریشانی، ونا راحتی، وتنگدلی، وبدبختی، از او دور میگردد، ودر نتیجهٔ آن زندگی خوب وسعادتمند در دنیا نصیبش میشود.

و کسیکه صاحب ایمان وعمل صالح نبوده، او با بدست آوردن خوشی وسعادت غرور وتکبر نشان داده، واخلاقش منحرف میگردد، ومانند چارپایان حریصانه با نعمتها بر خورد مینماید، و با وجود این هم اطمینان وراحت قلبی برایش میسر نمیگردد، وبه تشویشهای گوناگون مبتلا بوده، چه از جهت ترس زوال این نعمتها، و از جهت روبرو شدن با تکالیف، و از جهت خواهشات نفسانی انسان که هیچ حد واندازه نداشته، وهمیشه در تلاش بدست آوردن نعمتهای هر چه بیشتر بوده که ممکن است برایش میسر گردد و یا هم نگردد، واگر آنرا هم بیاورد باز هم نظر به اسباب -ذکر شدهٔ بالا- از تشویش عاری نبوده، وهمیشه از رو برو شدن با تکالیف ورنجها در بی تابی و هراسی وبی آرامی میباشد، پس پرسانی از بدبختی زندگیش را نکن، که کمتر از آن بدبختی امراض فکری وعصبی، وترس وهراسی است که با او رخ میدهد، و او را با بد ترین حالات وافکار مبتلا میسازد، واین همه بسبب آنست که او بامید هیچ نوع اجر وپاداش اخروی نبوده، ونه توان چنان صبر وشکیبایی را داشته که این همه اندوه ومصیبتها را بر وی آسان سازد، و اورا تسلی دهد.

واین همه حالاتی است که بطور تجربه دیده شده است، واگر در بارهٔ یکی از اینها باندیشی وحالات وکوایف مردم را بر آن قیاس نمایی خواهی دید که مسلمانیکه مطابق ایمانش عمل نیک دارد با آن شخصیکه چنان نیست تفاوت دارند، واین تفاوت از آنجاست که اسلام همیشه توصیه نموده است که باید به تقسیم الهی، وبآن نعمتهای گوناگونیکه از فضل وکرم خود به بندگانش ارزانی نموده قناعت داشت.

ومومن هنگـامیکه به مرض، فقر، ودیگـر تکالیفی ما نند آن که هر انسـان بـا آن رو بـرو میشـود مبتلا گـردد، نظر به ایمان ورضائیت وقناعتش به تقسیم الهی او را همیشه خرسـند ومطمـئن میبینـی، آرزوی آنـچـیزی را ندارد که در قسمتش نباشد، بکسی نگـاه میکند کـه سـطح زندگــی اش از او کمتر و پائین تر باشد، وبکسی نگـاه نمیکند که نسبت به وی زندگـی خوبتر وبهتر دارد، و شاید که خوشحالی او و راحت قلبش بسیار تر باشه از کسانیکه همه مطالب دنیوی را تحصـیل نمودنـد ولـی قناعت ندارند.

وآنکه عملش مطابق ایمانش نبـوده، هنگــامیکه بـا فقـر وبیــچاره گــی مبـتلا شـود، وبرخـی از مقاصدش تحقق نیامد، بی اندازه پـریشان وغمگـین میباشد.

مثال دیگـر: هنگـامیکه انسان با ترس وپـریشانی ونا قراری رو برو شود، می بینی که صاحب ایمان وقلب مطمئن از خود نشان داده، ودر تنظیم کارها، وسنجش چاره سازی برای پــریشانی کـه پـیش آمده است، با آرامش وارادهٔ قوی طبق توانای خود تفکیر وفعالیـت مینمایـد، وخـودرا بـرای تحمل آنـچـه پـیش آمده آماده میسازد، و این طور انسان به راحت، وقلبش مطمئن واستوار میباشد.

اما کسیکه از ایمان بهره مند نباشد، او بر خلاف مثالهای مذکورهٔ بالا هنگـامیکه با پــریشانی وتـرس رو برو میگـردد، قلبش نا قرار، واعصابش نا راحت، وافکارش مشوش بوده، احساس ترس وهراس مینمایـد، و بر او مسلط میشود از بیرون ترس وهراس، واز داخل چـنان پـریشانیهای که تعبیر آن دشوار است.

و باین نوع افراد اگـر بعض اسباب طبیعی که به تمرین کافی ضرورت دارد مهیا نگـردد، توانائی را از دست داده، واعصابش پـریشان شده از دست میدهد، و این همه بسبب فقدان ایمانی است کـه به انسان توانایی صبر وشکیبایی را میدهد، خصوصاً در وقت پـریشانیها ودشواریها وتکالیف.

پس شخص نیکو کار وشخص بدکار، ومسلمان وکافر با آنکه در بدست آوردن شجاعت اختیاری کسبی، ودر غریزهٔ که ترس و پریشانی را از انسان تخفیف مینماید، هردو با هم یکسان بوده، ولی مسلمان با قوت ایمانش، وبا صبر وشکیبایی خود، وتوکل نمودن بر خداوند، وامید داشتن به اجر و پاداش (اخروی)، تمیز و ویژگی خاصی دارد، که شجاعتش را قوت می بخشد، وتاثیر پریشانی را از او تخفیف نموده، ومشکلات را بر وی آسان میسازد.

چنانچه خداوند متعال میفرماید: {إِن تَكُونُواْ تَأۡلَمُونَ فَإِنَّهُمۡ يَأۡلَمُونَ كَمَا تَأۡلَمُونَۖ وَتَرۡجُونَ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا يَرۡجُونَ} [النساء: آیت 104]

ترجمه: اگر شما دردمند میشوید ایشان نیز دردمند میشوند بهمانگونه که شما دردمند میشوید، اما شما از خداوند چیزی را امیدوار هستید که ایشان امید ندارند.

ومدد خاص الهی بر ایشان میرسد تمام پریشانی وترسها را از آنان دور میسازد.

وخداوند میفرماید: {وَٱصۡبِرُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ} [الأنفال: آیت 46]

ترجمه: وشکیبایی ورزید، بیگمان الله با شکیبایان است.

2- و از جملهٔ اسباب ووسایلی که اندوه و پریشانی را دور میسازد **یکی هم: نیکی کردن با مردم بزبان وتعامل خوب**، که همهٔ انواع آن از جملهٔ خیر واحسان بشمار میرود، که بذریعهٔ آن خداوند متعال از نیکو کار وبدکار باندازهٔ نیکی اش با مردم اندوه وپریشانی اش را دور میسازد، ولی فرد مؤمن از آن حظ ونصیبی فراوانی دارد، وویژه گیٔ مومن آنست که نیکی کردنش با مردم به اخلاص وبامید اجر وپاداش اخروی میباشد، و باین طور خداوند متعال کار

نیک را بوی آسان ساخته، ونظر باخلاصی که دارد تکالیف را از وی آسان ساخته، و نظر باخلاصی که دارد تکالیف را از وی دور میسازد، خداوند متعال میفرماید: {لَّا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١١٤﴾} [النساء: الآية 114]

ترجمه: در بسیار أز گفتگوهای راز گوهی شان خیری نیست مگر آن که کسی به صدقه ئی یا عمل نیکی یا مصالحتی بین مردم امر کند وکسیکه این کار را برای طلب رضای خداوند میکند برای او مزدی بزرگ خواهیم داد.

پس خداوند متعالی این امر را بیان نمود که این همه کارها از صاحبش در جملهٔ نیکویی شمرده میشود، وبذریعهٔ این خیر ونیکویی خیر دیگری بدست میآید، وشر دفع میگردد، ومسلمانیکه بامید اجر وثواب کار خیر را انجام میدهد خداوند برایش پاداش بزرگ عطا میفرماید، و از جملهٔ آن این هم است که اندوه وپریشانیها ومانندآن را از وی دور مینماید.

فصل

[بدست آوردن عمل مفید وعلم با ثمر]

3- از جملۀ اسباب ووسائل دور نمودن تشویش واندوه ناشی از تشتت اعصاب وپریشانی قلب **یکی هم: مشغول ساختن خویش به عمل مفید وعلم با ثمر است،** زیرا این توجه اش را از آن چیز میگرداند که سبب پریشانی اش بوده است، وشاید که به سبب آن، چیزی را که سبب غم و اندوهش گردیده فراموش کند، و ازینرو قلبش خرسنده شده، وفعالیت ونشاطش زیاد میشود، واین خاصیت در میان مومن وکافر مشترک است، ولی مومن این ویژه گی را دارد که صاحب ایمان بوده، وبا اخلاص وامید اجر وثواب علم ودانش را فرا میگیرد، ویا به دیگران میآموزد، وطبق دانش خویش عمل نیک را انجام میدهد، اگر این کار عبادت بوده، پس پاداش عبادت بوی داده خواهد شد، واگر کار دنیوی ویا از جملۀ عرف وعادت باشد نیز مومن آنرا با نیک نیتی انجام میدهد که خداوند آنرا ذریعۀ توفیق وتوانایی بخشیدن بر عبادتش میگرداند، پس این همه در از بین بردن اندوه وپریشانی تاثیر قوی ووسیعی دارد.

چه بسیار مردم که دچار اندوه وپریشانی گردیده، وبه امراض مختلف مبتلا شده اند، ولی دوا وعلاج موفقانه اش این بوده که سبب اصلی این پریشانیها را فراموش کرده، وبه کاری دیگری خودرا مصروف ساخته.

وبایستی کاری را که انجام میدهد باید کاری باشد که قلبش با آن اطمینان یافته، وبآن اشتیاق داشته باشد، زیرا باین طور میتوان بآسانی به مقصد نیک خود نایل آید، وخداوند داناتر است.

4- واز جملۀ اسباب که تشویش وپریشانی را از بین میبرد اینست که: **تمام فکر وتوجه خودرا متوجۀ کار امروز بسازه، و در مورد آینده فکر نکند، و در بارۀ گذشته اظهار اندوه**

ننماید، و از همین جاست که پیامبرρ از **"هَمّ"** و**"حَزَن"** پناه جسته است(1)، **"حَزَن"** آنست که در بارۀ چیزی گذشتۀ که قابل برگشت نبوده اندوهگین گردد، و**"هَمّ"** آنست که از تکلیف آینده ومستقبل پریشان باشد، پس انسان باید مرد امروز خود باشد، وتمام کوشش وتوانش را برای اصلاح کار امروز و وقت حاضر بچرخد، زیرا مبذول ساختن تمامی توجه به کارهای حاضر وسیلۀ بانجام رسیدن آن میگردد، وبنده بذریعۀ آن از اندوه و پریشانی در امان میباشد.

پیامبرρ که دعا میکرد، ویا امتش را بآن رهنمایی میداد، تو نیز با طلب مدد خداوند و چشم راست فضل واحسان او بر تلاش پیگیر جهت تحقیق آنچه که تحقیقش را میخواهد، وبا دوری از آن چه که در سدد دفع آن است تشویق مینماید، زیرا دعا باید با عمل همرا باشد؛ از این جاست که بنده باید در بارۀ کاری کوشش نماید که در دنیا وآخرت بر وی مفید باشد، و بخواهد از پروردگار خود کامیابی مقصد، واز او در این باره مدد بخواهد، چنانچه پیامبرρ میفرماید: «اِحْرِصْ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ، وَاسْتَعِنْ باللهِ، وَلا تَعْجَزْ، وَإِذَا أَصَابَكَ شَىْءٌ فَلا تَقُلْ: لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَذَا كَانَ كَذَا وَكَذَا، وَلَكِنْ قُلْ: قَدَّرَ اللهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ؛ فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ» [روایت مسلم]

ترجمه: بر آنچه که به تو مفید است حرص کن، و از خداوند مدد بخواه، و (در انجام دادن کار) ناتوان مه باش، واگر برایت (تکلیفی) برسد چنان مگو: "اگر" چنان میکردم چنان و چنان میشد، بلکه اینطور بگو: الله (آنرا) در تقدیر (مقرر) نمود، وآنچه خواست کرد، زیرا "اگر" کارهای شیطان را راه میگشاید.

---

(1) در حديث كه بخارى ومسلم آنرا روايت نموده است.

پس پیامبرρ (در حدیث) مذکور مطلب حریص بودن به کارهای همیشه مفید وخواستن کمک از خداوند، وتن ندادن به ناتوانی که اوست خود تنبلی ضررناک، ومطلب تسلیم شدن به قضاء وقدر خداوند در چیزهای گزشته، ومشاهدهٔ قضاء وقدر الهی را یکجا یاد آور شده است.

و(پیامبرρ) کارها را دو قسم نموده است:

یکی کارهایی که در مورد تحقق بخشیدن آن بطور کامل، ویا تا حد ممکن، ویا دفع کردن آن بطور کامل، ویا کاهش دادن ضرر آن تا حد ممکن، بنده میتواند سعی وکوشش نماید، که در قسمت این نوع کارها بنده کوشش خودرا جاری نموده، واز پروردگار خود در آن کمک میطلبد.

قسم دیگر کارهایکه بهیچ وجه امکان پذیر نیست، پس در این طور کارها باید بنده مطمئن باشد، و(به قضاء وقدر الهی) تسلیم وراضی باشد.

وشکی نیست که مراعات این اصل وقاعده و(مطابق آن عمل کردن) موجب خوشحالی وخوشی است، وسبب زایل شدن اندوه وپریشانی وغم است.

فصل:

[کثرت ذکر الله تعالی]

5- از جملهٔ بزرگترین اسباب اطمینان وآرامش قلب: **کثرت ذکر (یاد نمودن) الله تعالی میباشد؛** زیرا که خداوند متعال میفرماید: {أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ ٢٨} [الرعد: الآیهٔ 28]

ترجمه: با خبر که به ذکر الله دلها آرام میگیرد.

پس یاد کردن خداوند نظر به خصوصیتی که دارد، ونظر به امید داشتن به ثواب، و پاداش الهی، برای تحقق همین مقصد تاثیری بزرگی دارد.

6- واز (جملهٔ این اسباب) همچنان: **یاد کردن نعمتهای ظاهری وباطنی خداوند است**، زیرا شناخت نعمتهای خداوند وذکر آنها غم وپریشانی را دور نموده، وبنده را به شکر نعمت وادار مینماید، که این خود از جملهٔ مراتب بزرگ نیکی بشمار میرود، هرچندبنده دچار فقر ویا مرض باشد، ویا تکلیفی دیگر داشته باشد، اگر نعمتهای خداوند را که به او ارزانی نموده است بشمارد، ویا در بین این نعمتها وآن تکلیفی که برایش رسیده است مقایسه نماید، خواهد دید که این تکلیف در برابر نعمتهای خداوند بهیچ وجه قابل ذکر نیست، بلکه بنده اگر در برابر مصیبتهایکه از جانب خداوند به او رسیده است صبر نماید وبآن راضی وتسلیم شود، آن بر وی آسان خواهد گردید، واز تکلیفش کاسته خواهد شد.

ودر نتیجهٔ تأمل وفکر بنده در ثواب وپاداش این امر، وپرستش خداوند متعالی، وصبر کردن بر آن، وراضی بودن از آن، این همه امور و کارهای تلخ را شیرین میسازد، وپاداش شیرینش تلخی صبر را از وی فراموش مینماید.

7- ودرین مورد مفید ترین کارها همان است: **که پیامبرρ در حدیث صحیح بآن ارشاد نموده**، ومسلمانان را بآن تشویق کرده است، وفرموده است: «أُنظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكُمْ، وَلا تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكُمْ؛ فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لا تَزْدَرُوا نِعْمَةَ اللهِ عَلَيْكُمْ». [روایت بخاری]

ترجمه: به کسانی نظر کنید که از شما پائین تر باشد، وبه کسانی نظر مکنید که از شما بالا تر باشد، واین شیوه شایسته است تا نعمتهای را که خداوند به شما داده است کم نشمارید.

واین جهت است که اگر بنده این اصل را مد نظر داشته باشد خواهد دید که در هر حالتی که باشد بازهم نسبت به تعدادی زیادی از مردم در داشتن عافیت وسعادت برتری دارد، وروزی اش از

دیگران بیشتر است، واز اینجاست که پـریشانی وغم واندوهش از بین میـرود، وخوشـی وشـادمانی بخاطری برخورداری از نعمتهای که دارن به بسیار از دیگران برتری دارد نیز افزون میگردد.

وهر چـند بنده در بارۀ نعمتهای ظاهری وباطنی، دینی ودنیـوی، بیشـتر بـه اندیشـد وتأمـل کنـد، خواهد دید که خداوند متعال خوبیهای زیادی را نصیبش نمـوده، وتکلیفهـا وشـرهای زیـادی را از وی دفع نموده است، که بدون شک این (اندیشه وتأمل) پـریشانیها وغمهـای زیـادی را از وی دور خواهد کرد، وخوشیها وخوشبختیهای فراوانی را برایش عطا میکند.

فصل

[فراموش کردن تکالیف وغموم گذشته ونترسیدن از آینده]

8- یکی از اسباب جلب خوشی واز بین بردن غم وپـریشانی اینست: **کـه در محـو کـردن اسبابیکه پـریشانیها وغمهارا ایجاد میکند سعی کند،** وکوشش نمایـد کـه چـیزهای را کـه سبب خوشحالی میباشد بدست آورد، واین هدف بدست میآید که هنجاریهای گذشته را فرامـوش نماید، ومتوجه گردد که مشغول کردن ذهن وفکر در آنها کار بیهوده وحماقـت ودیـوانگی اسـت، لهذا کوشش کند که قلب وذهن خویش را از فکر کردن در چنین کارها نجات بخشد، و از تـرس اینکه در آینده: فقر، پـریشانی، وتکالیفی دیگری که فکر میکند واقع خواهد شد ذهن خـود را دور سازد.

پـس بنده به این نتیجۀ میرسد که خیر وشر وآرزوها که در آینده رخ میدهد مجهول بـوده، ودر دسـت خداوند صاحب عزت وحکمت قرار دارد، وچـیز از آن در دسـت بنـدها نیسـت، جـز آنکـه در تحصـیل خیرات ودفع مضرات آن بذل وکوشش نماید، وهم به این نتیجۀ میرسد که هرگـاه انسـان ذهـن خـودرا از

تشویش در بارهٔ آینده دور داشت، فقط دربارهٔ اصلاح کارها از خداوند مدد خواسته، وبه آن اطمینان حاصل، قلبش راحت، کارهایش جاری، وتشویش واندوهش دور میشود.

9- **ومفید ترین تدبیر در کارهای آینده**: استعمال دعای است که پیامبر ρ به آن دعا میکرد: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِّي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَالْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ» [روایت مسلم]

ترجمه: الهی دین مَن را برایم اصلاح کن که همان موجب درستی واستواری کار من است، ودنیایم را برایم اصلاح کن که در آن زندگی من است، وآخرتم را برایم اصلاح کن که به آن باز گشت من است، وحیاتم را موجب افزایش امور خیر برایم گردان، ومرگ را موجب راحتم از همهٔ أمور شر گردان.

وهمچنان این دعا: «اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو؛ فَلا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ» [روایت أبو داود بسند صحیح]

ترجمه: الهی رحمت تو را خواهانم، پس مرا به نفسم –به پیمانهٔ یک تحریک مژگان چشم– مگذار، وهمه امورم را برایم اصلاح بخش، جز تو معبود بر حق نیست.

وقتیکه انسان دعای مذکور را که در آن خوبی دین ومستقبل دنیای وی میباشد، با قلب حاضر ونیت راست بخواند، ودر تحقیق آن بذل مساعی نماید، خداوند Ψ آنچه را خواسته وآرزو نموده وبخاطرش کار کرده برایش میسر میگرداند، وغم واندوهش را به فرحت وسرور مبدل میسازد.

فصل

[در وقت آسیب باید حالت بدتر از آن را در نظر گرفت، وبعداً در تخفیف آن کوشش نمود]

10- از مفید ترین اسباب برای دور ساختن غم وپریشانی هنگامیکه بنده به شکستی رو برو شد آن است: **که در تخفیف وکم نمودن تاثیر مصیبتها کوشش باید کرد**، وآن طوری باشد که در وقت تکلیف وآسیب حالت بدتر از آن در نظر گرفته، وبرای مقاومت آن استاده باشد، سپس قدریکه ممکن است به همان مقدار در تخفیف ساختن آن کوشش نماید، پس در این مقاومت وکوشش گسترده پریشانیهایش از بین خواهد رفت، ودر عوض آن در جلب خیر ودفع شر وضرر هر قدریکه برایش میسر باشد کوشش نماید.

وقتیکه بالایش حالات ترس، یا امراض، وفقر پیش آید، ویا میخواهد که هر نوع چیزهای شایستۀ را بدست آرد، اما بر آن قادر نشود پس لازم است که این همه را با اطمینان وسکون قلب به پذیرد، بلکه خود را به برداشت تکالیفی بزرگتر از این مهیا سازد، زیرا که آمادگی به برداشت کردن چنین تکالیف آسیبها را برای انسان آسانتر، ومشکلاتها را نیز کمتر میسازد، خصوصاً اگر به اندازۀ قدرت خویش در مقابل آن خودرا آماده سازد، آنگاه بیشتر تسکین قلب برایش حاصل میگردد، وبه کارهای مفید که اورا در بارۀ مصایب از فکر واندیشۀ نجات میدهد مصروف خواهد شد، واورا در مقاومت با تکالیف قدرت جدیدی میبخشد، وبا وجود این همه نیز باید توکل واعتماد ویقینش بر خداوند Ψ باشد.

پس هیچ شکی نیست که بزرگترین مفاد این چنین کارها باعث حصول فرحت ومسرت وانشراح صدر میباشد، علاوه بر ثواب و اجریکه بنده در دنیا وآخرت امید و طمع او را دارد، وآن به تجربه ثابت شده است، وکسانیکه این را تجربه کرده اند بسیار اند.

فصل

11- یکی از وسایل مهم علاج امراض دشواریهای قلب، وهمچنان امراض بدنی: **داشتن قلب قوی، واز خیالات بیهوده وغیر حقیقی که افکار بد آن را ایجاد میکند متاثر نشدن است،** زیرا اگر انسان به خیالات خویش تسلیم شود، وقلبش از ترسیدن ومبتلا شدن به امراض وغیره مانند: قهر، غضب، و از حالات دردناک، و رسیدن تکالیف و از تشویش از دست دادن اشیاء مرغوب متاثر شود، پس او را به چنان غمها واندیشه ها وامراض روحی وبدنی، و از داست دادن اعصاب مبتلا خواهد شود، که آثار وخیم آن به همه مردم آشکار وظاهر است.

12- **وقتیکه انسان به خداوندΨ تکیه، واعتماد، وتوکل نماید، وبه افکار بیجا، وخیالات فاسد تسلیم نشود، واعتماد به خداوندΨ کرده، وامیدوار رحمت وفضل او باشد؛ پس اندیشه وغم از او دور خواهد شد، واز بسیاری امراض بدنی وقلبی نجات خواهد یافت، وچنان قوت قلب، وآرامش، وخوشحالی، برایش پیدا خواهد شد که تعبیر کردن از آن دشوار میباشد.**

چه قدر شفاخانه ها از بیماران وهمی وغیر حقیقی، وتشویش، وخیالات فاسده مملو است، چه قدر اصحاب دلهای قوی قربانی چنین حالات شده اند، واصحاب دلهای ضعیف و نا توان را در جایش بگذار!! وچه تعدادی از مردمان به سبب همین حالات به جنون وروانی عقل مبتلا شده اند؟

ومرد سالم آنست که خداوندΨ او را صحت داده، وتوفیق این را برایش عطا فرموده که آن اسباب مفید قوت قلب را بدست آرد، که از وی تشویش واندیشه ها را دفع کند، خداوندΨ میفرماید: {وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُۥٓ} [الطلاق: آیت 3]

ترجمه: کسیکه به الله توکل کند پس او برایش کافی است.

یعنی (خداوندΨ انسان را) انجام دادن همه کارهای دنیا وآخرت بسنده است.

پس کسیکه به خداوند توکل کند چنین صاحب قلب قوی میباشد که افکار بیهوده برای او هرگز تاثیر نمیکند، ونه او را اوهام و حوادث پریشان میسازد، زیرا او میداند که در چنین کارها تشویش کردن وپریشان شدن علامهٔ ضعف قلب و از ترس بیجا است، وبا وجود این یقین دارد که خداوندΨ برای کسی کافیست که به او توکل واعتماد دارد، پس به خداوندΨ اعتماد کرده وبه وعدهٔ او مطمئن میباشید، از همین جهت غم وپریشانی از بین رفته، ومشکلاتش به آسانی وراحت، وپریشانیهایش بخوشی، و خوفش به سکون تبدیل میشود.

پس از خداوند طلب میکنیم که ما را به فضل خویش عافیت، وقوت قلب، وثبات، وتوکل کامل دهد، بهمانگونهٔ که دارندگان همین صفات را به عطای همه خیر ودور کردن همه شر وتکلیف وعده کرده.

فصل

13– در سخن پیامبرρ که میفرماید: «لا يَفْرُكْ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً، إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقاً رَضِيَ مِنْهَا خُلُقاً آخَرَ».[روایت مسلم]

ترجمه: بد نینگارد مرد مومن زن مومن را، چه اگر بعض خصال او را نه پسندد خصلت دیگر او مورد پسندش قرار خواهد گرفت.

در این دو فایدهٔ وجود دارد:

فایدهٔ اول: رهنمائی است چگونگی معامله بازن، با نزدیکان، با دوستان، وبا کسانیکه بآنها شراکت دارند، وبا هر آنکه میان تو و او بگوتهٔ ارتباط وعلاقهٔ وجود دارد، باید خودرا به این قناعت داد که البته اگر در شخصی عیب ونقصان ویا مزاج نا پسندیده میباشد، وقتیکه با چیزی از این قبیل متوجه شدید پس با محبتی که به اساس ارتباط وتعلق با اوست باید آنرا قوی دانسته باشید ومقایسه کنید، وصفات پسندیده ومقاصد نیك خاص وعام که دارای آنست بیاد آورید، طوریکه از عیوب چشم پوشی شود وصفات نیك ومقاصد خاصه وعمومی در نظر گرفته شود، ورفاقت وارتباط همیشه بر قرار میماند، و راحت واطمینان حاصل میشود.

فایدهٔ دوم: محو شدن تشویش واندیشه، وبقای صمیمت وصفای خاطر، و همیشه بجا آوردن حقوق که فرض ویا مستحب است، وحصول اطمینان در بین هر دو جانب.

و هر که به این ارشاد و رهمنایی پیامبرρ عمل نکرد، وبخلاف آن عمل کرد، یعنی از صفات نیکوی شخص چشم پوشد، وبه عیوبش نظر کند، آن ناچار ونا راحت میگردد، ومحبتی که در بین آنها وجود دارد، وهمچنان در پهلوی این بسیاری از حقوقی -که بجا آوردن آن بالای هر دو لازم است- ضایع خواهد شد.

اکثر مردمان با همت در وقت وقوع مصیبت خود را صبر واطمینان تلقین میدهند، اما به سبب کارهای ساده وآسان تشویش میکنند، وپریشان میشود، وصفای قلب شان از بین میرود، زیرا که

آنها خود را در مقابل کارهای بزرگ عیار ساخته، وبه کارهای کوچک التفات نکرده اند، این شیوه بر ایشان مضر ثابت شده، وراحت ایشان را از بین برده.

پس صاحبان عزم و اراده محکم در مقابل کارهای خورد و کلان خود را آماده ساخته، و از خداوند Ψ خواهان کمک ومعاونت میباشند، و از وی استدعا میکنند که آنها را یک لحظه هم به نفسهای شان نگذراند.

به این وسیلهٔ کارهای خورد مانند کارهای کلان بر ایشان آسان شده، وهمیشه خاطر شان جمع، وقلب شان آرم میباشد.

فصل

[زندگی کوتاه خویش را نباید به غم واندیشه ها سپرد]

14- خردمند میداند که زندگی سعادت و راحت یگانه زندگی حقیقی میباشد، و آن هم بسیار کوتاه است، پس نباید به غم واندیش آن را کوتاه تر سازد، زیرا که اینگونه عمل مخالف مفهوم زندگی سالم میباشد، لهذا کوشش باید کرد که قسمت بزرگ زندگی شکار نا راحتی و پریشانیها نشود، در این موضوع مرد نیکو و مرد فاسد مساوی هستند، مگر مومن را در تحقیق این گونه عمل حصهٔ بزرگ و نصیب نیکو، وفواید دنیا وآخرت می باشد.

15- هنگامی که انسان را تکلیف میرسد، یا از رسیدن تکلیف می هراسد، در بین چنین تکالیفی که به او رسیده ودر بین نعمت های دنیوی ودینی که از آن بهره مند است مقایسه باید کرد، پس میبیند که تعداد نعمت ها بسیار، وتکالیفی که به او رسیده در مقابل آن هیچ نیست.

همـچنان اگر احتمال وقوع ضرر وجود داشته باشد، و از پیش شدن آن می هراسد، و نیز پـیدایش راه های سد وقوع آن ضرر محتمل باشد، باید در بین احتمال ضعیف وقوع ضرر واحتمال های بسیار سلامتی از آن فکر کند، و آن دو را باهم مقایسه نمایـد، و هـر گـز اجـازه ندهـد کـه یـک احتمـال ضـعیف علیـه احتمالات قوی غالب گردد، که از همین طریق دفع میشود، وپیش از وقـوع مصیبت بایـد احتمـال وقـوع مصیبت بزرگتر را در نظر گرفتـه شـود، وخـود را بـرای آن مجهـز سـازد اگـر واقـع شـود بـرای دفـاع آن وتخفیف آن، و یا آنـچه بوقوع نه پیوسته واحتمال وقوعش باشد برای دفع آن کوشش باید کرد.

16– و یکی از کارهای مفید ومؤثر این است: **ضرریکه مردم به تو می رسانند، بالخصوص به الفاظ نا شایسته، در حقیقت ضرر بخود ایشان است، وبرای تو هیـچ ضرر نمیرسد، مـــگر** اینکه ذهنت را در آن مصروف کنی، و اجازه بدهی که احساسات ترا صدمه رساند، پـس اگر چـنین کنـی طوریکه به صاحبانش ضرر است پس برای خودت ضرر میباشد.

17– بدان که: **زندگی تابع خیالات وافکارت میباشد،** اگر در بارۀ کارهای کـه در دیـن یـا دنیـا مفید است فکر کنی زندگیت پر مسرت وبا سعادت میباشد، واگر نه نتیجه اش خلاف این است.

18– از وسایل مؤثر دفع کردن غم و پریشانی این هم میباشد: **که خودرا به این که تنها از خداوندΨ امیدوار شکر وثواب هستی قناعت بده،** هنگامیکه با کسی نیکی کردی –به قطع نظر از این که بالای تو حق دارد یا ندارد– بدان که این در حقیقت نیکی کردن با خداوندΨ است، پس از آن انسان امید شکر مکن، طوریکه خداوندΨ در بارۀ بندگان خاص خویش میفرماید: {إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا ٩} [الإنسان: آیت 9]

ترجمه: شما را محض به روی الله طعام میدهیم و از شما عوض و شکرانه گی نمیخواهیم.

واین شیوه خصوصاً در تعامل با اهل وعیال یا کسیکه با او ارتباط قوی باشد مهم تر است، وقتیکه از آنها یک شر و یا تکلیف را دور بسازی آنان هم در راحت میباشند وتو نیز آرام ومطمئن میباشید.

ویکی از اسباب حصول اطمنان این نیز است: **که اعمال نیکو را از ته قلب وبا شوق ورغبت باید کرد**، نه به تکلفی که موجب تشویش میگردد و تو را از خیر بی بهره میگرداند زیرا که راه کج را انتخاب نمودی، واین کار حکمت است، که از کارهای آلوده کارهای خوب ایجاد نمایی، وبه این طریقه شیرینی ها بسیار میشود، وکدورت ها از بین میرود.

19- **کارهای مفید را هدف قرار ده، ودر بر آوردن آن سعی وکوشش نمائید**، و به کارهای مضر نظر نکنید، تا که از اسباب غم و پریشانی ها دور باشید، و از آرامش واطمنان قلب خود استفاده کن تا که کارهای سخت را آسان کنید.

20- یکی از کارهای مفید اینست: **که کارها را حالاً اجرا کنید، وبه کارهای آینده خود را فارغ نمایید**، زیرا اگر کارها در اوقاتش اجرا نشود، وهمه کارهای سابقه ولاحقه جمع شود، آن وقت انجام دادنش دشوار خواهد بود، واگر هر یک در وقتش اجرا شود، برای انجام دادن کارهای آینده بقوت وفکر درست و در وقت مناسب برای تان دست میدهد.

21- **وبهتر است که از کارهای مفید باید انتخاب کرد که از همه مهم، جالب و پسندیده باشد**، و اگر نه با خستگی وپشیمانی وخفگان رو برو خواهید شد، چنین کارها را به فکر سالم و مشوره انجام دهید، زیرا هر که از دیگران مشوره میگیرد پشیمان نمیشود.

کارهای را که میخواهید انجام دهید، در باره اش به غور و دقت فکر کنید، اگر مصلحت وفایدهٔ در آن می بینید، وعزم واراده اجرا نمودنش را کردید، پس به خداوندΨ توکل نمائید، هر آینه خداوندΨ توکل کنندگان را دوست دارد.

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم.